

آیا تولید ناخالص داخلی^۱ بهترین معیار رشد است؟^۲

مهم نیست چگونه رشد اقتصادی را اندازه گیری کنیم، هر روشی که باشد باید با هوشمندی تحلیل شود.

رشد اقتصادی خارق‌العاده ۵۰ سال گذشته به وضوح از نظر تولید ناخالص داخلی موفقیت‌آمیز بوده است. اقتصاد جهان، شش برابر بزرگ‌تر و متوسط درآمد سرانه، تقریباً سه برابر شده است. اما در مورد اثرات زیست محیطی رشد چه می‌توان گفت؟ افزایش نگرانی در جهان توسعه یافته در مورد رکود درآمد قشر متوسط و افزایش نابرابری چطور؟ تقریباً این دیدگاه به صورت جهانی مورد توافق است که تولید ناخالص داخلی به تنهایی یک معیار ناقص برای رشد و رفاه است. بنابراین در گزارش جدید خود به نام "رشد جهانی"^۳ این موضوع را مدنظر قرار دادیم. آیا بهره‌وری و تولید می‌تواند ما را در دنیایی که رو به پیری می‌رود، نجات دهد؟ اما محدودیت داده‌ها در تعداد زیادی از کشورها در یک بازه زمانی طولانی به این معناست که تولید ناخالص داخلی، معیاری منطقی بود. همان طور که فایننشال تایمز^۴ می‌گوید، «تولید ناخالص داخلی ممکن است نابهنگام و گمراه کننده باشد. ممکن است به طور کامل نتواند مبادلات پیچیده بین حال و آینده، کار و اوقات فراغت، رشد "خوب" و رشد "بد" را به تصویر بکشد. با این حال، برتری بزرگ آن این است که یک عدد واحد و مشخص است. در حال حاضر، تنها می‌توانیم به آن رجوع کنیم».

با این حال، تولید ناخالص داخلی به عنوان یک واحد اندازه گیری، با ماهیت در حال تغییر فعالیت اقتصادی همگام نیست. تولید ناخالص داخلی که برای اندازه گیری تولید

^۱ GDP: Gross Domestic Product

^۲ Is GDP the best measure of growth? Richard Dobbs, James Manyika, Jaana Remes, and Jonathan Woetzel

^۳ Global Growth

^۴ Financial Times

فیزیکی کالاها در اقتصاد بازار طراحی شد، برای محاسبه خدمات بخش خصوصی و دولتی که فاقد خروجی فیزیکی است، مناسب نخواهد بود، زیرا نمی‌توان آن را به راحتی با شمارش تعداد واحدهای تولید شده، اندازه‌گیری کرد. هم‌چنین تولید ناخالص داخلی به ارزیابی بهبود کیفیت و تنوع کالاها و خدمات یا برآورد کاهش منابع یا تخریب محیط زیست مرتبط با تولید نمی‌پردازد. اندازه‌گیری تغییرات دگرگون‌شونده در فناوری با استفاده از تولید ناخالص داخلی آسان نیست، ضمناً بیشتر سود و منافع آن عاید مشتری و مصرف‌کننده می‌شود

اما شاید مهمتر از همه، این باشد که تولید ناخالص داخلی، معیاری برای ارزیابی اقتصاد ملی یا شاخصی برای رفاه ملی نیست. برای این کار، معیارهای جایگزین بسیاری وجود دارد، از جمله شاخص توسعه انسانی^۵ (HDI) که توسط سازمان ملل در سال ۱۹۹۰ معرفی شد و یا شاخص زندگی بهتر در کشورهای OECD^۶.

بنابراین در حالی که ما در گزارش خود از تولید ناخالص داخلی برای تعریف رشد استفاده کرده‌ایم، از ابتکاراتی که تصویر قوی‌تری از رفاه منعکس کند، استقبال می‌کنیم، از جمله بهبود حساب‌های تولید ناخالص داخلی، تعریف معیارهای مدرن اهمیت و ایجاد داشبوردهای جدید مدیریتی. مراکز آماری، از جمله دفتر تحلیل اقتصادی ایالات متحده، به طور مستمر، سنجش تولید ناخالص داخلی را در تلاش‌های اخیر برای بهبود بینش در مورد توزیع درآمد و مازاد مصرف‌کننده اصلاح می‌کند. اما برخی سازمان‌های دیگر خواستار یک معیار یا مجموعه‌ای از شاخص‌های جدید- رویکرد داشبورد- هستند تا عناصر سلامت روانی، عاطفی و پایداری اقتصادی را نیز به تصویر بکشند.

مهم نیست که چه معیاری استفاده شده یا چگونه محاسبه می‌شود، ما به دنبال رشد هوشمندانه به جای تمرکز بر افزایش یک عدد واحد هستیم. حفظ دستاوردهای سریع و پایدار در بهره‌وری و استانداردهای زندگی، رهبرانی را در بخش خصوصی و دولتی می‌طلبد که نه تنها وجوه عملکرد سازمان را به تنهایی ببینند، بلکه به تأثیرات آن‌ها بر یکدیگر نیز فکر کنند. برای مثال، افزایش رقابت در بهره‌وری درازمدت خوب است، اما احتمالاً به شرکت‌هایی که از مقررات فعلی سود می‌برند آسیب می‌رساند. درست است که دسترسی

^۵ HDI: Human Development Index

^۶ OECD: The Organization for Economic Cooperation and Development

گسترده به داده های بزرگ و استفاده آسان از آنها، فرصت هایی را ایجاد می کند، اما اهمیت مسائل مربوط به حریم خصوصی و حفاظت از داده ها را نیز افزایش می دهد. بازارهای کار انعطاف پذیرتر در عصر رقابت فزاینده جهانی، ممکن است اضطراب کارگران شاغل امروزی را افزایش دهد.

رشد را با تولید ناخالص داخلی اندازه گیری کنیم یا با هر معیار دیگری، در هر صورت پیامدهایی در دنیای واقعی دارد. هر گفتگوی جدیدی باید شامل سؤالات اساسی در مورد نحوه اداره اقتصاد جهانی باشد و هر فرضی در مورد رشد و نقشی که در زندگی مردم ایفا می کند باید به شدت مورد بحث قرار گیرد.

